

دولت حتی اگر

این امکان را

داشته باشد که

به شکل کاملاً

دولتی برای برخی

از این یاری‌گری‌ها

اقدام نماید، نباید

چنین کاری کند؛

بلکه مناسب

است کمک کند

و شرایط را تسهیل

نماید تا آحاد

مردم یا گروه‌هایی

از آنان، امکان

مشارکت در

این امر را داشته

باشند.

و یاری‌گری، عدالت و استقرار عدالت باشد، این موضوع فقط متوجه یاری‌گری  
حاکمیتی نیست، بلکه آحاد هم مورد خطاب هستند.

۳.

### دولت؛ مخاطب اصلی

### عدالت و خدمت در

### نظامات مدرن

اگرچه به طبع اولیه، احکام و الزامات عدالت در

عرصه یاری‌گری متوجه همه می‌شود، اما نمی‌توان

این نکته را انکار کرد که در دولت‌های مدرن،

مسئولیت خدمت‌رسانی حاکمیت و دولت بیش از

سایرین است. درحقیقت، بار اصلی در مسئله

استقرار عدالت بر عهده دولت و حاکمیت است. در نظامات پیشامدرن به دلیل آن‌که

این حد از تمرکز، انضباط و پیچیدگی وجود نداشت، اساساً برای دولت‌ها مقدور نبود

که به شکل کنونی به مداخلات اجتماعی یا سامان‌دهی حیات اجتماعی جهت تأمین

عدالت بپردازند.

۴.

### خدمات مردمی

خدمات و یاری‌گری غیرحاکمیتی (یعنی مردمی)، هم

می‌تواند عادلانه و هم می‌تواند نیکوکارانه محض و

بدون وصف عدالت باشد. اما خدمات و یاری‌گری

حاکمیتی لزوماً باید عادلانه ارائه شود؛ حتی در مواردی که این یاری‌گری از جنس توزیع

و مساعدت مالی نیست نیز باید عادلانه باشد. معنا ندارد که بگوییم دولتی از باب

نیکوکاری کاری را انجام بدهد؛ چون اساساً دولت یک شخصیت حقوقی دارد و از

باب اخلاق اجتماعی مکلف است. مثلاً عدالت یک ارزش اجتماعی است؛ آزادی

و حفظ کرامت انسان‌ها یک ارزش اجتماعی است. ما نمی‌توانیم بگوییم: جناب

دولت! از باب نیکوکاری بر ما منت بگذار و کرامت ما را حفظ کن، یا بر ما منت بگذار

و عدالت را حفظ کن! ارزش‌های اجتماعی، جانب‌هنجاری دارند و دولت یا حاکمیت

ملزم به رعایت آن‌هاست؛ اعم از این‌که ارزش‌های یادشده صورت قانون و الزام به خود

بگیرند یا صرفاً ارزش‌هایی باشند که مورد وفاق جامعه و به عنوان محرک نهاد‌های

سیاسی و اجتماعی تلقی شوند. اساساً سخن‌گفتن از یاری‌گری نیکوکارانه فارغ از

عدالت، برای دولت و حاکمیت سیاسی، بی‌معناست. فضای دولت همواره ملازم

قسمی الزام و مقتضی مناسبات حکم و تکلیف است، نه مناسبات صرفاً نیکوکارانه.

این‌که وظایفی از طریق مراجع رسمی یا تقنینی متوجه دولت می‌شود؛ یا این‌که در احکام

بودجه به «وظایف» دولت اشاره می‌شود و تکالیفی را متوجه دولت می‌کند؛ یا حتی

این‌که از باب التزام به ارزش‌های اجتماعی، دولت میزان پایبندی‌اش به ارزش‌های

اجتماعی را بالا می‌برد و سعی می‌کند خدمات بیشتری به شهروندان ارائه کند،

نیکوکاری نیست. البته در رابطه با مردم این نکته پذیرفته شده است که گاهی عدالت

و استقرار آن، ایشان را به سوی خدمت و یاری‌گری در جهت از بین بردن نابرابری‌های

ناموجه سوق می‌دهد؛ گاهی نیز نیکوکاری آن‌ها را بدین سمت و سو می‌کشاند. اما

دولت‌ها همواره باید خدمات‌شان عادلانه باشد و نمی‌توان فعل دولت را فارغ از وصف

عدالت با از باب نیکوکاری و در نظر گرفتن ملاحظات خاص متصور شد. پیش‌تر اشاره